

جرم توهین یک جرم مطلق است و مقید به نتیجه خاصی نیست. بر همین اساس اگر مخاطب توهین از شأن اجتماعی بالایی هم برخوردار باشد و عملاً از توهین آن فرد ناراحت نشود، باز هم جرم توهین به صرف موهن بودن رفتار مر تکب آن انجام گرفته است.

■ ■ ■

توهین در علم حقوق و قوانین موجود در کشور ما جرم انگاری شده است. خواه این توهین در فضای مجازی اتفاق بیفتد یا در فضای حقیقی جامعه رخ بدهد. نکته مهم در این خصوص این است که مجازات اشخاصی که با استفاده از اپلیکیشن‌های داخلی و خارجی از قبیل تلگرام، واتساپ، اینستاگرام، توئیتر، کلاب هاس، دیوار، روبیکا، سروش و... به دیگران توهین می‌کنند، همچون کسانی است که در کوچه و خیابان به دیگران اهانت می‌کنند.

■ **حساسیت قانونگذار به هتک حرمت**

هتک حرمت اشخاص مطابق با ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات جرم بوده و قانونگذار ما به صراحت در خصوص توهین ساده به افراد بیان کرده که توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک چنانچه موجب حد قذف نباشد به مجازات جزای نقدی درجه شش محکوم خواهد شد.

معنی قذف از نظر حقوقی یعنی دادن نسبت ناروای زن یا لواط به دیگری و بسیار شبیه توهین با افتراست، اما قانونگذار به جهت تأثیری که روی حیثیت و آبروی مخاطب قذف و اطرافیان مخاطب دارد آن را جرمی خاص با آثار و احکام و مجازات خاص دانسته است. این جرم از جمله جرایم حدی است. به این معنا که مجازات آن در شریعت اسلام مشخص شده است. نکته مهمی که باید در خصوص جرم توهین گفته شود این است که برای تحقق جرم توهین راست یا دروغ بودن اعمال به کار رفته شرط نیست و عمده مطلب این است که گفتار یا رفتار در نظر عرف جامعه وهن آور و سبک‌کننده باشد.

همه ما انسان‌ها از آنجایی که اشرف مخلوقات هستیم دارای ارزش و احترام از سوی همدیگر هستیم و این مسئله فارغ از جایگاه‌های اجتماعی ماست. یکی از چیزهایی که باعث می‌شود این ارزش و احترام در جامعه از بین برود توهین به همدیگر است. توهین در لغت به معنی خوار کردن است و اکثر نظام‌های حقوقی در جهان توهین را یک جرم تلقی کرده و برای آن مجازات سنگینی هم در نظر گرفته‌اند.

■ **شرایط محقق شدن جرم توهین**

جرم توهین یک ضد ارزش در جامعه و یکی از جرائم علیه حیثیت معنوی اشخاص محسوب می‌شود و در اصطلاح به هر رفتاری اعم از فعل، گفتار، اشاره یا نوشتار و... دلالت دارد که بتواند به نحوی موجب سبک کردن یا خوار و خفیف کردن مخاطب توهین شود و عرف جامعه هم آن را نپذیرد.

برای مثال رفتارهایی مثل آب دهان به روی دیگری انداختن، تحقیر کردن افراد، تنه زدن تحقیر آمیز به دیگران، برداشتن کلاه دیگری، برخی اشارات انگشتان دست، نگاه‌های معنی دار به جنس مخالف، تمسخر کردن لباس، لهجه، ظاهر افراد و... که به طور عرفی باعث تحقیر و خوار کردن افراد می‌شود را ذیل شرایطی می‌توانیم موارد جرم توهین در نظر بگیریم.

برای محقق شدن جرم توهین نیاز است فردی که به دیگری توهین می‌کند از عمل خود آگاهی داشته باشد و به عمد به دیگری توهین کند.

بنابراین برای تحقق جرم توهین اولاً مر تکب جرم توهین نباید در حالت خواب، بیهوشی، هپنوتیزم، مستی و نظایر آن باشد.

ثانیاً باید به موهن بودن رفتار خود آگاهی داشته باشد نه آنکه به دلایلی مثل تفاوت فرهنگی، اجتماعی،

اهانت‌هایی که به حبس ختم می‌شود

نگاه علم حقوق به جرم توهین در جامعه



زبانی، قومی و از این قبیل موارد نسبت به موهن بودن رفتار خود جاهل باشد. در این صورت، فرد مر تکب جرم توهین نشده است، چرا که نسبت به رفتار خود جاهل بوده و از روی قصد آن عمل را انجام نداده است.

■ **توهین در فضای مجازی**

در خصوص جرم توهین سایبری یا همان جرم توهین در فضای مجازی به صورت صریح و آشکار چیزی در قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ بیان نشده است. از آنجایی که هتک حیثیت با توهین رابطه متقابل و تگت‌نگستی دارد می‌توانیم تحت شرایطی مطابق با ماده ۱۶ قانون جرائم رایانه‌ای با افرادی که در فضای مجازی موجب هتک حیثیت دیگران می‌شوند هم برخورد کنیم.

قانونگذار در این خصوص تأکید کرده است هر کس به وسیله سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی، فیلم یا صوت یا تصویر دیگری را تغییر دهد یا تحریف کند و آن را منتشر یا با علم به تغییر یا تحریف منتشر کند، به نحوی که از نظر عرف جامعه، موجب هتک حیثیت یک فرد شود، به حبس از ۹۱ روز تا دو سال یا جزای نقدی از ۵ تا ۴۰ میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد. از آنجایی که جرم توهین هم ساده است و هم مشدد درتشدید شده و ادامه‌دار، قانونگذار ما در ماده ۲۶۲ قانون مجازات اسلامی در خصوص توهین مشدد می‌گوید هر کس پیامبر اعظم (ص) یا هر یک از انبیای عظام الهی را دشنام دهد یا قذف کند، ساب‌النبی است و به اعدام محکوم می‌شود.

ساب‌النبی به شخصی گفته می‌شود که به پیامبر اسلام(ص) فحاشی کند یا چیزی را پیامبر نسبت دهد که موجب تحقیر و نقص او شود. از نظر فقیهان، حکم ساب‌النبی قتل است. علت این حکم، وجوب حفظ احترام پیامبر و دفاع از دین است. البته ساماری از فقه‌ای معاصر هم اجرای این حکم را از اختیارات حاکم اسلامی دانسته‌اند. قانونگذار در تبصره ماده ۲۶۲ قانون مجازات اسلامی هم تصریح کرده است قذف هر یک از ائمه معصومین(ع) یا حضرت فاطمه زهرا(س) یا دشنام به ایشان در حکم ساب‌النبی است.

■ **اهانت به مقدسات**

نکته مهم در خصوص جرم توهین که باید به آن توجه داشت این است که توهین ممکن است به صورت

حضور یا غیابی باشد. در واقع لازم نیست حتماً در حضور شخص او را مورد توهین قرار دهند بلکه همین که فردی را در غیایش مورد توهین قرار بدهند مر تکب جرم توهین شده‌اند.

اهانت به مقدسات هم در قانون کشور ما جرم محسوب می‌شود. در همین خصوص قانونگذار در ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی مربوط به تعزیرات بیان کرده است هر کس به مقدسات اسلام یا هر یک از انبیای عظام یا ائمه طاهرین(ع) یا حضرت صدیقه طاهره(س) اهانت نماید اگر مشمول حکم ساب‌النبی باشد اعدام می‌شود و در غیر این صورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد.

مقصود از مقدسات، تمامی اشخاص و اماکن متبر که‌ای است که در دین اسلام از جایگاه ویژه و خاصی برخوردار است. ذکر این نکته ضروری است که منظور از پیامبران عظیم‌الشان تمامی پیامبران هستند.

در ماده ۲۴۵ قانون مجازات اسلامی هم قانونگذار ما به صراحت در تعریف قذف گفته که قذف عبارت است از نسبت دادن زن یا لواط به شخص، هر چند آن شخص مرده باشد. نکته مهمی که در خصوص قذف وجود دارد و باید به آن اشاره و توجه داشت این است که قذف باید روشن و بدون ابهام باشد و نسبت دهنده به معنای



روشن و بدون ابهام باشد و نسبت دهنده به معنای

چقدر شخصی که به او توهین می‌شود از شأن و مقام اجتماعی بالاتری برخوردار باشد به همان نسبت توهین به او هم جرم بزرگ‌تری محسوب می‌شود.

بر همین اساس توهین به مقامات دولتی و رسمی کشور دارای مجازات سنگین‌تری نسبت به توهین به افراد عادی جامعه است.

قانونگذار ما هم در خصوص توهین به مقامات رسمی کشور در ماده ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات گفته است هر کس با توجه به سمت به یکی از رؤسای سه قوه یا معاونان رئیس‌جمهور یا وزرا یا یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی یا نمایندگان مجلس خبرگان یا اعضای شورای نگهبان یا قضات یا اعضای دیوان محاسبات یا کارکنان وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها در حال انجام وظیفه یا به سبب آن توهین کند به سه تا شش ماه حبس یا تا ۷۴ ضربه شلاق یا به ۲ تا ۲۵ میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.

این نکته هم نباید دور از ذهن بماند که در جامعه ما از آنجایی که مقام معظم رهبری هم از نظر سیاسی و هم از نظر شرعی بالاترین مقام رسمی در کشور محسوب می‌شود بر همین اساس اگر فردی به ایشان توهینی کند مجرم است و مجازات آن فرد مطابق ماده ۵۱۴ است.

قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات در ماده ۵۱۴ توضیح داده است هر کس به حضرت امام خمینی، بنیانگذار جمهوری اسلامی و مقام معظم رهبری به نحوی اهانت کند به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

■ **توهین از طریق مزاحمت تلفنی**

نکته مهم در خصوص اثبات جرم توهین این است که اگر توهین به صورت مکتوب باشد مثل ارسال پیامک در فضای مجازی یا مجله، روزنامه، خبرگزاری و... یا ارائه مکتوبات به راحتی قابل اثبات است، اما اگر توهین به صورت شفاهی باشد غالباً به وسیله شهادت شهود یا قذف در صورتی موجب حد می‌شود که قذف شونده اقرار توهین کننده نزد مراجع قضایی قابل اثبات است. توهین به مقامات سیاسی خارجی که به کشور ما سفر می‌کنند هم جرم است. با توجه به ماده ۵۱۷ قانون مجازات بخش تعزیرات که می‌گوید هر کس علناً و به صورت مشدد جرم توهین محسوب شود. به بیانی از مصادیق مشدد جرم توهین محسوب باید که در قلمرو خاک ایران وارد شده است توهین نماید به یک تا سه ماه حبس محکوم می‌شود.

البته شرط تحقق ماده ۵۱۷ تا حدودی پیچیده است و مثلاً در تبصره همین ماده، قانونگذار می‌گوید اعمال مواد این‌ فصل منوط به تقاضای دولت مربوطه یا نماینده سیاسی آن دولت یا مطالبه فرد توهین شده یا ولی اوست و در صورت گذشت کردن آن مقام خارجی، تعقیب جزایی توهین کننده هم متوقف خواهد شد. گاهی هم ممکن است جرم توهین از طریق مزاحمت تلفنی برای افراد رخ دهد. شاید تا به حال با این مسئله که فردی به تلفن شما زنگ بزند و برای شما ایجاد مزاحمت کند روبه‌رو شده‌اید. قانونگذار ما اینگونه مزاحمت‌ها به وسیله تلفن را مطابق با ماده ۶۴۱ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات دانسته است. قانونگذار در این ماده قانونی با صراحت تأکید کرده است هر گاه کسی به وسیله تلفن یا دستگاه‌های مخابراتی دیگر برای اشخاص ایجاد مزاحمت نماید علاوه بر اجرای مقررات خاص شرکت مخابراتی مر تکب به حبس از یک تا شش ماه محکوم خواهد شد. نکته مهم در خصوص ماده ۶۴۱ این است که مجازاتی که در این ماده در نظر گرفته شده فقط برای ایجاد مزاحمت است. اگر فردی مهربانه با مزاحمت به فرد دیگر توهین یا او را تهدید کند و... به هر دو مجازات یعنی هم مجازات مزاحمت و هم جرمی که مر تکب شده است محکوم خواهد شد.

■ **محقق و پژوهشگر علم حقوق**

حمله تروریستی را نداشت، زیرا دفاع پیشگیرانه به‌رغم آن که بخشی از دکترین روابط بین‌الملل است، جایگاهی در حقوق بین‌الملل با توسل به زور ندارد و از حمایت روبه قضایی برخوردار نیست. به‌علاوه اینکه طبق توافقنامه‌های بین عراق و آمریکا، نیروهای آمریکایی در موارد تهدید داخلی و خارجی علیه عراق تنها با درخواست عراق حق توسل به زور را خواهند داشت و آمریکا حق استفاده از قلمروی عراق برای حمله به کشورهای ثالث را ندارد و حمایت‌هایی که آمریکا و سایر دول از عراق در مقابله با داعش دارند، باید با حفظ استقلال و حاکمیت عراق انجام گیرد.

در نتیجه نیروهای آمریکایی مجاز به انجام عملیات نظامی در خاک عراق بدون رضایت و هماهنگی دولت این کشور نبوده‌اند. ضمن اینکه حضور آمریکا پس از دوره اشغال برای دفع گروه تروریستی داعش بوده است نه جنگ علیه ایران. بنابراین حمله نظامی علیه سردار سلیمانی و بمبهدی بررسی‌های، این مطلب به دست می‌آید که ترور سیهید همچنین طبق بند هفتم ماده دو قطعنامه و تعریف تجاوز (استفاده یک کشور از نیروهای مسلح خود در قلمرو کشور هم‌پیمان، به صورتی که ناقض پیمان میان دو کشور باشد)، از مصادیق تجاوز است.

بر همین اساس نخست‌وزیر عراق، عادل عبدالمهدی حمله آمریکا را مصداق ترور دانست و به عنوان عمل تجاوز و نقض حاکمیت عراق توصیف کرد که می‌توانست به جنگ در عراق منجر شود. در نتیجه بررسی‌های، این مطلب به دست می‌آید که ترور سیهید سلیمانی، ابومهدی مهندس و همراهانشان موجب مسئولیت بین‌المللی آمریکا و مسئولیت کیفری عواملی است که در این عملیات تروریستی مشارکت داشته‌اند.

نگاه

آنها که کوتاهی کردند

باید پاسخگو باشند

■ **محمد علی طبرانی***

بررسی افزایش ظرفیت پزشکی در شورای عالی انقلاب فرهنگی موجب شد این موضوع اخیراً مورد توجه رسانه‌ها قرار گیرد و مخالفان و موافقان طرح به اظهار نظر بپردازند.

طبق آمار سازمان بهداشت جهانی شاخص سرانه پزشک در ایران معادل ۱/۶ پزشک به‌ازای هر هزار نفر است که از کشورهای مانند بولیوی، الجزایر کمتر و مقداری هم از کشورهای مانند مالزی و سوریه بیشتر است. پس می‌توان گفت کمبود پزشک واقعیتی بدیهی است که تنها ذی‌نفعان ماجرا آن را انکار می‌کنند.

موافقان افزایش ظرفیت پزشکی دلایل اصلی خود را حذف محوری پزشک در نظام سلامت، کاهش هزینه‌های سلامت خانوار، به‌ویژه با توجه به حرکت هرم سنی کشور به سمت پیری و ارتقای عدالت در نظام سلامت عنوان می‌کنند و بهترین راه مواجهه با بحران کمبود پزشک را افزایش ظرفیت پزشکی می‌دانند.

مخالفان نیز می‌گویند در حال حاضر شرایط به‌گونه‌ای است که حتی اگر تعداد پزشک به‌صورت تصاعدی افزایش یابد به دلیل ضعف نهادی و زیرساخت‌ها باز هم تعداد کمی پزشک به طبابت در مناطق محروم اشتغال خواهند ورزید.

در مجموع می‌توان گفت حل مسئله نیاز به شناخت کامل دارد، در صورتی که با شناخت ناقص و زاویه نگاه خاص، اقدامی انجام پذیرد، چه‌بسا وضعیت بدتر از زمان فعلی شود. در تحلیل آمارها باید نگاه جامع به تمام جواب مسئله داشت و استناد تنها به یک شاخص مثل سرانه پزشک شاید گمراه‌کننده باشد.

اگر کشور هنوز نیاز به آمایش سرزمینی به‌منظور تربیت پزشک دارد، اگر هنوز آموزش دانشجویان پزشکی کارآمدی لازم را ندارد، اگر هنوز زیرساخت‌ها و قوانین برای کارآمدتر کردن نظام سلامت نقص دارند، مسائلی که از انجام وظایفشان استنکاف ورزیده‌اند مثل وزارت بهداشت و کمیسیون بهداشت باید نسبت به این ضعیف‌ها پس از گذشت این همه سال از استقرار نظام اسلامی پاسخگو باشند.

عسکندر آهناهی که فلسفه وجودی‌شان رفع نواقص و کاستی‌ها در نظام سلامت بوده باید مورد بازبینی قرار گیرد تا شاهد شکوفایی بیشتر انقلاب اسلامی در این حوزه نیز باشیم.

■ **دانشجوی حقوق و معارف دانشگاه امام صادق(ع)**

نکته

سیاست‌های کلی نظام

در قانونگذاری جدی گرفته شود

■ **دکتر باقر انصاری***

قانونمند کردن فعالیت اشخاص در فضای مجازی امری است که دست‌کم از سال ۱۳۸۰ و با ورود شورای عالی انقلاب فرهنگی به این موضوع در کشور ما به صورت جدی شروع شده است.

در فاصله ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ انواع مصوبات و قوانین در این‌باره تصویب شد با این‌حال، مصوبات مذکور ظاهراً منشأ اثر نشدند. از آیین نامه ساماندهی سایت‌های اینترنتی ایرانی گرفته تا اصلاح ماده یک قانون مطبوعات و تصویب قانون جرائم رایانه‌ای.

در سال ۱۳۹۰، شورای عالی فضای مجازی و مرکز ملی فضای مجازی با فرمان رهبر معظم انقلاب ایجاد شدند تا در حوزه فضای مجازی سیاستگذاری کرده (توسط شورا) و بین دستگاه‌های مختلف کشور که در زمینه فضای مجازی وظایف و اختیاراتی دارند هماهنگی برقرار کنند. (مرکز ملی)

با این حال، این دو نهاد نیز ظاهراً در انجام وظایف خود ناتوان مانده‌اند، زیرا مجمع تشخیص مصلحت نظام درصدد تنظیم سیاست‌های کلی در زمینه فضای مجازی است و مجلس شورای اسلامی نیز هر سال چندین طرح برای «ساماندهی» فضای مجازی اعلام وصول کرده و در نتیجه انتقادهای جدی، بررسی و تصویب آنها را ناتمام رها می‌کند.

سال‌های زیادی است که همگان از ناهنجاری در نظام قانونگذاری کشور سخن می‌گویند و برای رفع این ناهنجاری‌ها، سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری پس از سال هابخت و بررسی سرانجام در سال ۱۳۹۸ از سوی رهبر معظم انقلاب ابلاغ شد.

در سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری مقرر شد (بند ۹) اصول قانونگذاری و قانون‌نویسی باید در طرح‌های قانونی رعایت شود؛ از جمله قابل اجرا بودن قانون و قابل سنجش بودن اجرای آن، معطوف بودن به نیازهای واقعی، شفافیت و نبود ابهام، استحکام در ادبیات و اصطلاحات حقوقی، علت پیشین‌ها، آن، ابتناء بر نظرات کارشناسی و ارزیابی تأثیر اجرای قانون، ثبات، نگاه بلندمدت و ملی و جلب مشارکت حداکثری مردم، ذی‌نفعان و نهادهای قانونی مردم‌نهاد تخصصی و صغنی در فرایند قانونگذاری.

در همین راستا از مجلس هم انتظار می‌رود درباره قانونی که می‌تواند بر زندگی کل مردم به‌ویژه بر زندگی و کسب و کارهای مجازی تأثیر اساسی بگذارد، پیش از پیش نظرات کارشناسان، ذی‌نفعان و نهادهای تخصصی و صغنی را جویا شود.

■ **عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی**